

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

لله الحمد امروز حقیقه معانی ظاهر و باوراد علم و حکمت ربّانی مزین کوثر بیان و تسنیم حیوان در او جاری نیکوست حال نفسیکه باو راه یافت و محروم کسیکه از او نصیبی برنداشت نسیمش محیی جان و مفرّج روان بی لفظ مطالب خفیّه لطیفه القا مینماید بی کنز و زخارف غنای ابدی عطا میفرماید پرده حیرت را باصبع قدرت شقّ نماید و آفتاب حقیقت را از افق عنایت بنماید نعیماً للفائزین و نعیماً للعارفین و حسرةً للغافلین و للمعرضین مفتاح آن محبّه الله بوده و هست و آن ذکر و ثنای مقصود عالمیانست که بیان مملّح و ممزوج است حبّذا فرخنده یومی و فرخنده ساعتی و فرخنده حینی که دستخطّ عالی که بمنزله مفتاحست و عرف محبّت محبوب عالم از او متضوّع متواتر رسیده و میرسد فی الحقیقه اوست که قلب را بفرح جدید تازه مینماید و آتش شوق و اشتیاق را مشتعلتر حقّ شاهد و گواه که در لیالی و ایّام از خلق مأیوس و بخیالت مأنوس و بحقّ متوسّل و بر او متوکّل که ناگاه باب مفتوح و امل حاصل بساط حزن مطویّ و بساط فرح مبسوط و قبل آن کلّ یوم قلم الم فراق تحریر مینمود و مداد ذکر ایّام و داد و اتّحاد مینوشت گاهی طبع صنعت موسیقار آرزو مینمود و هنگامی وجود چون سمندر خود را در نار مشاهده مینمود ایجاز از اطناب محبوب تر که هم شما را از ذکر و ثنای محبوب عالیشان بازنمیدارد و هم مطلب مشروح و واضح معلوم آنحضرت میشود از مطوّل گذشتیم مختصر آنکه بی شما فرح کامل دست نداد و غیبت شما مجالس را از طراز اوّل محروم داشت خادم جالس بغتّه از افق بیت دستخطّ آنحضرت بمثابه نجم سحری طالع بعد از اخذ و قرائت و اطلاع تلقاء وجه مالک اسماء بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله و جلّت الطافه

هو الناظر من افقه الأعلى

یا اسمی مرّه بعد مرّه ترا ذکر نمودیم کأس حیوان را از ایادی عنایت محبوب امکان نوشیدی ذکرت لازال مذکور و بلایت لدی العرش مشهود باستقامتت افق استقامت لائح و منیر طوبی لک و لمن احبّک و ذکرک و سمع قولک فی امر الله ربّ العالمین اگر چندی توجّه بوطن و ضواحی آن از ارض یاء و الف و راء نمائید لدی الوجه محبوبست چه که شاید گمراهی راه یابد و مقصود را بشناسد ولکن باید در جمیع احوال بافق حکمت ناظر باشید آنچه مغایر آنست جایز نبوده و نیست کذلک یا مَرک المظلوم و یدکرک فی هذا المقام الرّقیع دوستان الهی را تکبیر برسان بگو ایّاکم ان تمنعکم ضوضاء الملحدین عن الله ربّ العالمین آنقوم تازه بر قدم اهل فرقان مشی مینمایند لعمر الله یوم الله را ادراک ننموده اند چه که لا یدکر فیهِ الا الله وحده جمیع کتب بقولش و قبولش معلّق و جمیع اعمال باذنش منوط در قرون و اعصار ناس بیچاره را باوهم تربیت نمودند مع ذلک آن فرقه غافله خود را اعلی و افضل از کل میدانستند غافل از آنکه پست ترین عباد بوده و هستند نفسی را که عند ذکرش به عجلّ الله فرجه ناطق بودند بظلم تمام شهید نمودند نتیجه عجلّ الله فی سقرهم بخشید بگو ای دوستان حقّ لعمر الله آن نفوس غافلند آگاه نبوده و نیستند از همه گذشته از گفته های قبل چه حاصل بردند که از بعد بیرند اتّ لهم و للذین اتّبعوهم من دون بیّنه من الله العلیم الحکیم لازم است که مفتریات فرقه شیعه و کذبهای ایشان قدری ذکر شود یا اسمی ملاً اعلی نوحه مینمایند و اهل جنّت علیا محزون چه که با کشف حجابات غلیظه و سبحات عظیمه تازه بقدم اوّل راجع شده اند نوحوا یا قوم نوحوا انصاف بمثابه عنقا و صدق مانند عدل غیر مشهود ولکن ربّک هو القویّ الغالب القدیر اهل بها را عالم و آنچه در اوست منع

نماید امرش اظهر از شمس و ندایش در کلّ حین مرتفع طوبی لمن نبذ العالم مقبلاً الى الله مالک القدم الذی فی بحبوحة البلاء نطق بأعلى التّداء و دعا الكلّ الى افقه المنیر انتهى نمیدانم چه شده که تا حین اهل بیان در اعمال فرقه قبل و اقوال ایشان تفکر نموده اند نفوسیکه خود را بهترین عالم میدانستند یعنی حزب شیعه ارتکاب نمودند آنچه را که کلّ اشیاء نوحه نمود یکنفس تفکر نمود که حاصل آن حزب و اعمال و اقوالشان چه بوده لعمر مقصودنا هبّاءً منبّئاً تازه مشرکین اهل بیان یک همچه دستگاهی مبسوط نموده اند این بی بصرها در آنی تفکر ننموده و نمینمایند از اوّل دنیا تا حین کدام امر اعظم از این امر و کدام ظهور اظهر از این ظهور بوده هر نفسی بانکار برخیزد بچه اقرار خواهد نمود امروز غیر الله مذکور نبوده و نیست طوبی از برای نفسیکه عرف این یوم را یافته و مقصود را شناخته این فانی از حقّ باقی سائل و آمل آذان را لایق و ابصار را قابل نماید از برای اصغاء ندا و مشاهدۀ افق اعلیٰ اینکه مرقوم داشتند که حضرت افنان یاء علیه منکلّ بهاء ابهاه صورت تلغراف ارسال فرمودند مقصود از آن توجّه آنحضرت بشطر مقصود بوده ولکن دستخطّ بعد آنحضرت مرقوم داشته بودند که حضرت افنان علیه من کلّ بهاء ابهاه و جناب امین علیه بهاء الله خواهش نموده اند بآنجهات توجّه نمایند بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس اینکلمۀ علیا از افق اعلیٰ اشراق فرمود قوله جلّ و عزّ حال که حضرات طالب شده اند اجابت افنان محبوبست لدی الوجه و اگر در ارض یاء و اطراف آن چند روزی سیر نمایند محبوبست انتهى اهل ولایت و اقربا هم از ملاقات آنحضرت البتّه بفرح تازه و سرور جدید فائز میشوند و اینکه مرقوم داشتند که دوستان الهی طراً در هر ارض استدعای ذکر نموده اند اینفقره بشرف اصغاء فائز قوله جلّ جلاله یا اسمی علیک بهائی و عنایتی و رحمتی هر نفسی اراده نموده اسم آن در ساحت اقدس مذکور آید لعمری ذکرش مذکور و از قلم اعلیٰ مسطور بشّر من قبلی کلّ من اراد عنایتی و توجّهی قل أنّه یسمع و یری و هو السّميع المجیب هر یک را بعنایت حقّ بشارت دهید و بر استقامت و ما یرتفع به شأن الانسان وصیت نمائید طوبی لهم و لهم حسن مآب انتهى و اینکه مرقوم داشتند از جمله نفوس مطمئنّه سه نفس که از کسبه و ضعفا هستند وجهی از بابت حقوق الله داده اند و جزئی است ولی از صاحبانش با ضعف حال بسیار پسندیده و محبوبست اینمراتب در ساحت من لا یخرج عن قبضته من شیء عرض شد هذا ما ماج به بحر البیان فی الامکان قوله تبارک و تعالیٰ

هو النّاطق بالحقّ

یا عباد الرّحمن قد ذکرکم اسمی ذکرناکم بلوح لا تعادله الواح العالم و لا ما عند الأمم یشهد بذلك ربّکم المهیمن القیوم قد فزتم بعرفان المظلوم الذی جعله المعتدون مسجوناً بما دعا الكلّ الى الله ربّ ما کان و ما یکون ان اشهدوا بما شهد الله قبل خلق الأرض و السّماء أنّه لا اله الاّ انا الحقّ علام الغیوب من فاز بعرفانی أنّه من الملائه اعلیٰ عند الله فاطر السّماء و مالک الاسماء و الذی منع أنّه من الغافلین فی لوح محفوظ قد سمع الله ندائکم و رأى اقبالکم و انزل لکم ما یکون معکم فیکلّ عالم من عوالم ربّکم العزیز الودود ایاکم ان تمنعکم ضوضاء النّاعقین عن الله ربّ العالمین ان احفظوا ما اوتیتم بهذا الاسم المهیمن علی من فی السّماوات و الأرضین انتهى لله الحمد بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز گشتند و آنچه هم داده اند بطراز قبول فائز و ورقۀ وصول هم ارسال میشود اگر بشود آنوجه را در ارض خاء بجناب ملا علی بجستانی علیه بهاء الله برسانند محبوبست که نصف را خود ایشان تصرّف نمایند و نصف دیگر را بجناب ابن شهید علیه بهاء الله برسانند

اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمد جعفر و جناب آقا میرزا مهدی علیهما بهاء الله را فرمودند تلقاء عرش بشرف اصغاء فائز و عریضۀ جناب آقا میرزا محمد جعفر که بآنحضرت نوشته بودند آنهم لدی العرش عرض شد و دو لوح امانع اقدس از سماء مشیت مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشاءالله بآن فائز شوند و از بحر معانی آن بیاشامند و همچنین ذکر مخدرات قانات

مشغولات علیا جناب عمّه و دو صبیّه ایشان علیهنّ بهاء الله و عنایاته را فرموده بودند و مرقوم داشتند که از اوّل نفوس شمرده میشوند بعد از عرض مراتب در ساحت امنع اقدس این آیات مشرقات از افق فضل لائح قوله جلّ جلاله

بسمی الذّاکر البصیر

یا اسمی علیک بهائی و رحمتی لعمر الله قد نطقتم بالحقّ عمّه و خدیجه در اوّل ایّام بایمان فائز از کوثر حبّ آشامیدند و از فرات ایقان قسمت عظیم بردند لازال نفحات محبّت رحمن از ایشان متضوّع و بقدر مقدور در خدمت امر و اولیائش جهد بلیغ مبذول داشته‌اند و در سیل الهی شنیدند و دیدند آنچه را که سبب حزن قلوب مقرّبین بوده طوبی از برای ایشان لعمری لا یعادل بما قدّر لهنّ ما فی الأرض جمیعاً لله الحمد باقبال و ایقان و توجّه و قول بلی فائز گشتند شهادت الهی در باره ایشان کافی و باقی آنّه لا یضیّع اجر المحسنین و المحسنات بشرهنّ من قبلی و ذکرهنّ من لدی المظلوم البهّاء المشرق من افق سمّاء بیانی علیهنّ و علی ابنائها الذّین اعترفوا بما نطق به لسان العظّمه أنّه لا اله الاّ انا المهیمن القیوم انتهی ذکر ایشان لازال در ساحت اقدس بوده و نازل شد از برای ایشان آنچه که بدوام اسماء باقی و پاینده است انّ الخادم یسأل الله ربّه بأن یوفّقهنّ و یؤیّدهنّ و یقرّبهنّ الیه أنّه هو المقتدر علی ما یشاء و هو الغفور الکریم

و همچنین دو لوح امنع اقدس ابهی مخصوص جناب آقا محمّد علی و آقا محمّد حسین علیهما بهاء الله نازل و ارسال شد انشاءالله بآن فائز شوند چندی قبل عرایض ایشان بساحت اقدس فائز انّ ربّنا الرحمن هو المؤیّد المقتدر العلیم الحکیم اینکه ذکر جناب آقا میرزا عبدالرحیم از اهل قمصر علیه بهاء الله را فرموده بودند و همچنین عدد واو از بابت حقوق که جناب آقا زین‌العابدین از اهل مازگان علیه بهاء الله بتوسّط ایشان ارسال داشته‌اند اینمراتب تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل لجناب میر علیه بهاء الله قوله عزّ بیانه

انا المبین الحکیم

یا میر امر عظیم است و یوم عظیم بعضی از اهل بیان تا حین ادراک یوم را ننموده‌اند باوهامات قبل متمسّکند بگو ای قوم امروز یوم الله است لا یذکر فیه الاّ هو اگر نفسی بعبادت اوّلین و آخرین مؤیّد شود و در اقلّ من آن بدونش ناظر او از اهل توحید نبوده و نیست و جمیع اعمالش هباءً منبّثاً بوده و خواهد بود آیا اقوال اهل فرقان یعنی حزب شیعه را نشنیده‌اند و توهّمات قبل را نسنجیده‌اند مع ذلک چگونه در تجدید ظنون و اوهام مشغول شده‌اند الاّ انّهم فی خسران مبین اگرچه ایّام ظهور در یکمقام ایّام الله بوده و لکن این یوم را جمیع انبیا و مرسلین طالب لقایش بوده‌اند در جمیع کتب و صحف و زیر بطراز تخصیص مزین است قل اتّقوا الله یا قوم و لا تكونوا من المشرکین کن قائماً علی الأمر و ناطقاً بشّاء مولاک و مستقیماً علی شأن تضطرب به هیاکل الظّنون و الأوهام کذلک یامرک من عنده امّ الكتاب

و نذکر الخلیل الذی فاز بالذکر و البیان من لدی الرحمن نسأل الله بأن یوفّقه علی ما یرتفع به امره المبرم الحکیم کبر من قبلی علی وجهه و علی اولیائی هناک انا نوصیهم بالاستقامه الکبری و بما ینبغی لهذا الیوم العزیز البدیع قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک بهذا الذکر المبین قد فزت بذكر ربک مرّة بعد مرّة هذا من فضله العظیم البهّاء علیکم من لدی الله ربّ العالمین و نذکر زین‌العابدین الذی عمل بما امر به فی کتاب الله طوبی لعبد شهد بما شهد به المقصود و عمل فی سبیل ما ارتفع به ذکره بین عبادہ المخلصین انتهی

صد هزار شکر مقصود عالم را هر هنگام ذکر یکی از اولیا در ساحتش مذکور بانوار عنایت مزین و بطراز فضل مطرّز مخصوص نفوسیکه آنحضرت ذکر نموده‌اند هر یک بآیات بدیعه منیعۀ باقیۀ دائمه فائز گشته‌اند طوبی لهم و نعیماً لهم و کلّ خیر لهم اینبعد فانی از کل رجا مینماید در احیان ذکر و ثنا فراموشش ننماید و از برایش تأیید بطلند بر خدمت این امر عزیز عظیم اینکه مرقوم داشتند شبی از شبها در بیت جناب آقا سید محمد باقر علیه بهاء الله با دوستان الهی معاشر و بذکر محبوب عالمیان مشغول اینفقره در ساحت امنع اقدس بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

بسمی الّذی به ماج البحر و هاج العرف

طوبی لّذی لسان نطق بشاء مولا و لّذی شمّ وجد عرف قمیصه المنیر و لّذی اذن سمع ندائه الأحلی و لّذی بصر فاز بمنظره الکریم یا سید یا محمد قبل باقر قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک لتشکر ربّک الغفور الکریم از اعظم اعمال امروز استقامت است چه که ناس از قبل باو هام تربیت شده‌اند طوبی از برای نفسیکه اوهامات و گفتارهای قبل را ریخت و بافق یقین وحده ناظر و متوجّه نفوسیکه از آگاهی محرومند باقوال اهل فرقان تمسّک نموده‌اند و در اضلال خلق قیام کرده‌اند و این وعدهای حقّ جلّ جلاله بوده و در کتب بآنچه ظاهر شده و بشود اخبار فرموده تمسّک بحبل عنایة ربّک و تشبّث بذیله المنیر طوبی لیتک بما ارتفع فیه ذکری و حضر فیه اسمی و احبائی ذکرهم من عندی و کبر علی وجوهم من قبلی و بشرهم بعنایتی و رحمتی نسأل الله بأن يؤیّدهم علی خدمة امره و ينزل علیهم برکة من عنده و یسقیهم کوثر الاستقامة بأیادی عطائه انه هو المقتدر المهیمن القیوم انتهى

اینکه در بارۀ پریشانی احباب مرقوم داشتند خیر عالم و برکت عالم و قدرت و قوّة عالم کل بایشان متوجّه و از ایشان محسوب چه مقدار از اصحاب در زمان خاتم انبیا روح ما سواه فداه قوت شب نداشتند که بصبر متمسّک و بطراز اضطراب مزین الی ان نزل لهم من سماء الفضل ما عجزت عن احصائه المحصون عنقریب مشاهده مینماید آنچه در کتاب نازل ثروت عالم و خیر آن از جمیع جهات توجّه مینماید حال آنچه لازم است اتّحاد و اتّفاق و حکمت و تبلیغ امر بقسمیکه سبب ضوضا نشود این بر عباد بوده و هست و مابقی با حقّ جلّ جلاله است مع مصروف این ارض که آنحضرت مطّلعند اگر از حقوق چیزی خبرش برسد یا وارد شود داده شده و میشود فرمودند آنچه اسمی در این باب نوشته صحیح است بلکه رخنه‌های عظیمه ظاهر میشود چنانچه شده در بارۀ محبوبی جناب آقا میرزا اسدالله علیه بهاء الله و امانت الله مرقوم داشتند از این خبر فرح لایحصى ظاهر لله الحمد و له الشکر و الثناء و له القدرة و القوّة و العطاء ولكن حسب الأمر حال باید محلّ مختصری بدون اسباب معین شود والا در خطر است غافلین بسیار شقی مشاهده میشوند اگر مطّلع شوند لعلّ بعمل قبل قیام نمایند باید در اوّل امر عاقبت آنرا مشاهده نمود باید محل بقسمی اخذ شود که از برای نفسی مجال ادّعا نماند و همچنین مرقوم داشته بودند شبی از شبها در بیت جناب آقا محمد علی فح علیه بهاء الله تشریف داشتند مع دوستان حقّ علیهم بهاء الله اینفقره هم بتمامه امام وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من لدن ربنا مالک المآب قوله جلّ و عزّ

بسمی الّذی یسمع و یری

یا محمد علی در سنین متوالیات بذکر مالک اسماء و صفات فائز شدی از کأس وصال نوشیدی و از بحر لقا آشامیدی شنیدی آنچه را که در کتب الهی مذکور و دیدی آنچه را که در او مسطور طوبی لک و لاینک الّذی فاز بالألواح ربّه الکریم ذکر تو و ابناء در کتاب الهی مخلّد از حقّ میطلییم ترا مؤیّد فرماید بر حفظ آنچه عطا فرموده نشهد انک هاجرت و حضرت و سمعت و

رأيت ان افرح بعناية ربك و كن من الراسخين و نذكر الحكيم اخ الحكيم الذي فاز بلقائي و وجد عرف ظهوري البديع يا آقا خان ان استمع نداء ربك الرحمن من سدرة الانسان على هذا الطور المرتفع على اشرف البقاع انه لا اله الا هو العزيز الوهاب قد ذكر ذكرك لدى المظلوم و نزل لك لوح لاح من افقه نجم عناية ربك مالك الرقاب طوبى لك بما اقبلت الى مشرق الظهور و سمعت نداء مكلم الطور الذي كان موعوداً في الزبر و الألواح نسأل الله بأن يؤيدك و يوفقك و يكتب لك من قلمه الأعلى خير الآخرة و الأولى انه هو المقتدر على ما يشاء باسمه الذي سخر من في الأرضين و السموات سيفني ما تراه اليوم و يبقى ما قدر من لدى الله ربّ الأرباب أنا نوصيك بحفظ ما اوتيت و بالاستقامة التي جعلها الله من افضل الأعمال انتهى امواج درياي فضل كل را احاطه نمود و انوار آفتاب عنایت بر كل تجلّی فرمود اینفانی از حقّ سائل كه جميع را بما اراد آگاه فرماید چه اگر آگاه شوند كل بر خدمتش قیام نمایند الحمد لله جناب مذكور و مذكور یعنی جناب آقا محمد علی و جناب آقا خان علیهما بهاء الرحمن از كأس لقاء حضرت مقصود آشامیدند و به ما هو الموعود فی الكتب فائز گشتند از حقّ تأیید میطلبم ایشانرا مؤید فرماید بر استقامت كه از افضل اعمال مذكور و خدمت هر يك تكبير و سلام میرسانم و همچنین خدمت ابناء جناب آقا محمد علی علیهم بهاء الله ابن اكبر و سایرین تكبير و سلام میرسانم لله الحمد لدى الوجه مذكورند و بعنایت فائز له الحمد فيكلّ الأحوال از حقّ سائل و آمل كه باب فضل بگشاید و يد عطا دست گیرد انه على كلشئ قدير و اینکه در عسر امور ایشان مرقوم داشتند فرمودند بهر نحو مصلحت دانند عمل نمایند چه از بابت حقوق اگر وجهی برسد و چه از سبل اخرى البتّه در این فقره توجه نمایند چون اراده الهی تعلق گرفته البتّه فرج میرسد فی قبضته زمام الأمور و هو المقتدر القدير انتهى و اینکه در باره مخدّره هدهد علیها بهاء الله مرقوم فرموده بودند این ایّام خبر وجهی رسید مبلغ بیست تومان امر صادر بایشان برسد و مابقی ببعضی دیگر اگر باز خبری برسد حواله میشود

اینكه در باره جناب آقا محمد حسین ل ط علیه بهاء الله مرقوم داشتند در پیشگاه حضور مالک ظهور عرض شد هذا ما نطق به لسان مالک الأسماء فی سجن عكّاء قوله جلّ جلاله یا اسمی عليك بهائی حاء و سین علیه بهائی از اوّل امر بافق اعلى توجه نمود و در سنین معدودات بذکر و ثنا و خدمت امر موفق شد از حقّ میطلبیم او را بر حفظ اینمقام مؤید فرماید اوست بر هر شیء قادر و توانا انشاءالله مؤید شود بر عملی كه از سیّد اعمال لدى الله مذكور است و بدوام ملك و ملكوت باقى و پاینده یا اسمی بشّره بعنایتی قد اشرقت له شمس الاذن من افق مشیّة ربّه الكريم له ان يتوجه بتوجه تتوجه به الموجودات الى شطر القرب و اللّقاء المقام الذى فيه ينطق مكلم الطور الملك لله ربّ الأرباب انتهى طوبى از برای ایشان چه كه فائز شدند بآنچه طلب نمودند ولكن حسب الأمر باید بحکمت ناظر باشند و بمقتضیات آن اگر موافق شد نعم المراد والا الصبر الاولى

اینكه ذكر ضیافت علیا مخدّره امّ حرم علیها بهاء الله را مرقوم داشتند و همچنین ذكر جناب وزیر و ابن ایشان و احوال ایشان علیهم عناية الله فرمودند در مقرّ كان الله و لم يكن معه من شیء بشرف اصغا فائز هذا ما نطق به لسان ربنا الرحمن فی ملكوت البیان قوله عزّ و جلّ یا اسمی جناب محمد را از قبل ذكر نمودیم ذكریكه عرفش پاینده و باقى است از حقّ میطلبیم او را مؤید فرماید بر آنچه سزاوار ایّام اوست و موفق دارد بر عمل بآنچه در كتاب نازل انا نسلّم من هذا المقام علیه و على اخیه و ابنه كل را از قبل مظلوم سلام برسان لیجذبهم السلام الى اعلى المقام و یقرّبهم الى الله مولی الأنام دنیا فانی و اسبابش غیر باقى از حقّ میطلبیم منتسبین را بنسبت حقیقی فائز فرماید و بصراط مستقیم راه نماید الحمد لله بذکر فائز گشتند و از قلم بیان اسمشان جاری اینست نعمت حقیقی و مائدة سمائی البهاء علیهم و على من فاز بهذا اليوم المبین و هذا الأمر المحکم المتین انتهى این خادم فانی از حقّ باقى سائل و آمل كه جميع منتسبین را از رحيق مختوم محروم نفرماید

ذكر شب ورود و حضور حضرات و بعضی از دوستان را فرموده بودند اینکلمه علیا از افق اعلى در اینمقام اشراق فرمود قوله جلّ جلاله اللهم صلّ و سلّم على صاحب البيت و ضيوفها و الذى حضر و زار و فاز و خدم و ذكر و سمع ثناء الله

المهيمن القيوم انتهى لله الحمد اینکلمات عالیات شامل حال کل شد از صاحب بیت و ضیوف و آنکه حاضر شد و آنکه لوجه الله خدمت نمود و آنکه در برف توجه نمود جمیع فائز شدند و از بحر ذکر الهی قسمت بردند هنیئاً لهم و مخصوص مخدّره امّ حرم علیها بهاء الله لوح امنع اقدس نازل و همچنین مخصوص ورقه اخت جناب آقا میرزا محمود علیهما بهاء الله که در برف و برد توجه نمود آنه لا یضیع اجر المحسنین و اجر المحسنات و اینکه ذکر جناب آقا میر علینقی علیه بهاء الله را فرمودند و همچنین ذکر خدمات ایشان دوستان الهی را اینفقره بعد از عرض در ساحت اقدس اینکلمات عالیات در جواب نازل قوله جلّ جلاله

هو الشاهد الخیر

امروز جمیع دوستان الهی باید در امورات قبل تفکر نمایند و بر اثمار غیر جنیه اشجار کاذبه آگاه شوند که شاید از بعد باوهامات جدیده مبتلا نگردند حزب شیعه از اعلی المذاهب شمرده میشد از ادنی الأحزاب و اذلّهم ظاهر گشت بعضی از اهل بیان که از انوار آفتاب حقیقت محرومند و از بحر دانائی ممنوع بر قدم آنقوم مشی مینمایند مبشّر حقیقی و سلطان واقعی آنوجود مبارکی که سالها در لیالی و ایّام فرقه شیعه ذکرش مینمودند و ظهورش را آمل و لقائش را سائل بعد از ظهور کل بر قتلش فتوی دادند و بعذاب عظیم شهیدش نمودند آنحضرت بسیف کذب آنگروه شهید شد هزار و دویست سنه بل ازید بترتیب عقاید و ذکر درایج ایمان و ایقان مشغول بودند بالأخره نه آن عقاید ثمر بخشید و نه آن الفاظ را حاصلی مشهود چه که از صراط مستقیم محروم و در سبل اوهام و ظنون سالک شرکاء متعدّد از برای حقّ جلّ جلاله ترتیب دادند و خود را موحد میدانستند عاقبت آنفرقه باغیه آن بود که دیدید و شنیدید چه مقدار از نفوس را که از گمراهان میشمردند از جمله اهل سنّه و جماعت را حال از آفاق قلوب بعضی نور ایمان بشأنی مشرق که مقبول واقع شدند و بلقا فائز گشتند در انباء خلیل و وراثت کلیم تفکر نمائید چگونه از نار امر مشتعل شدند انظر ثمّ اذکر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تبارک و تعالی نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین انّ الفضل کلّه فی قبضة قدرته یؤتی و یمنع و هو الفضل الکریم قلم اعلی امروز کل را باستقامت وصیت میفرماید چه که ناعقین بمکر مبین ظاهر و آشکار در اضلال ناس سعیها نموده و مینمایند از قرار مذکور آثار اینظهور را جمع نموده اند حقّ بر اراده کل عالم و آگاه انا نوصی کلّ بالاستقامة الکبری علی شأن تحیر بها افئدة الذین کفروا بالله ربّ العالمین

انا نذکر فی هذا المقام الذی سمّیاه بالخلیل فی الکتاب یا خلیل ان استمع النداء من الأفق الأعلى ان ربّک توجه الیک و ذکرک بما لا یعادلّه ما عند الأحزاب سبح بحمد ربّک و ذکر النّاس بهذا الأمر الذی به نادت الأشیاء الملک لله ربّ الأرباب ان احفظ عبادی من مفتریات اهل البیان الذین کفروا بالرحمن بما اتّبعوا الظنون و الأوهام انهم ارادوا ان تفسدوا فی الأرض بعد اصلاحها الا انهم من المعتدین فی الزّبر و الألواح کن راعی اغنام الله ثمّ احفظها من ذیاب الأرض الذین نقضوا میثاق الله و عهدّه و عملوا ما ناح به سکّان الفردوس الأعلى و الذین یطوفون عرش ربّک فی العشیّ و الاشرار

و نذکر عبدالرحیم الذی آمن بالله فی المبدء و المآب انا ذکرناه من قبل و نذکره هذا الحین بآیات تطیر بها الجبال ذکر العباد بما ینبغی لأیّام ربّک ثمّ احفظهم من الذین کفروا بالمعاد

و نذکر اولیائی و احبائی هناك و ضواحيها و نبشّرههم بذكر الله العليم الحکیم یا احبّاء الرحمن نوصیکم بما یرتفع به مقاماتکم و انا النّاصح الخیر ایّاکم ان یمنعکم امر عن هذا الأمر او یحبّبکم ذکر عن هذا النّبأ العظیم انتم فی بیوتکم و یذکرکم القلم الأعلى فی هذا السّجن المحکم المتین و نذکر امائی و نبشّرهنّ بعنایتی و رحمتی الّتی سبقت من فی السّموات و الأرضین

يا على قبل نقى قد ذكرک اسمی عليه بهائی ذکرناک بهذا اللّوح المبين ان اشکر الله بهذا الفضل الأعظم و قل لک الحمد يا مقصود العارفين بهاء على الخليل و على اباک و عليك و على ضلعک و على احبائي الذين تمسکوا بحبلی المتين انتهى

له الحمد و المنة در جميع احوال و احيان اوليا و احباء خود را باکاليل ذکر و بيان ميزين فرموده کلمة الله باقى و ما فيها باقى اين خادم فانی خدمت اوليا و احبا طراً تکبير عرض مينمايد و از برای کل استقامت ميطلبد جناب حبيب مکرم آقا مير عبدالرحيم عليه بهاء الله در اين نامه دو بار بذکر قلم اعلى فائز شدند هنيئاً له و لمن فاز بكأس العناية و اللطاف در اين حين که چهار ساعت و نيم از يوم چهارشنبه ۱۷ شهر جمادى الثانی گذشته بوکالت آنمحبوب عمل شد آنچه که محبوب عالم است و کلمه قبول نازل هنيئاً لحضرتکم و لهذا العبد

مطلب ديگر در دستخط انور که بجناب محبوب مکرم حاجی سيد جواد عليه بهاء الله و عنایته مرقوم داشته بودند ذکر جناب حاجی عبدالحسين و جناب آقا عبدالحميد و ابن ايشان و همچنين جناب آقا محمد بيک و ساير دوستان که مع آنحضرت يازده نفس بوده فرموده بودند اينمراتب در ساحت امنع اقدس عرض شد مخصوص جناب حاجی عبدالحسين و جناب آقا عبدالحميد عليهما بهاء الله دو لوح بديع منيع نازل ارسال شد برسانند و همچنين مخصوص جناب بيک و سايرين از لسان عظمت جاری شد آنچه که هيچ لسانی از عهدۀ ذکر و وصف برنمايد ولكن از تعجیلی که اينعبد داشته که پاکت را زود ارسال دارد باقل واجب عمل شد حسب الأمر ايشانرا از قبل حق تکبير برسانيد و بعنايات لانهايات مقصود عالميان مسرور داريد اينعبد هم خدمت هر يك سلام و ثنا و تکبير ميرساند

اينکه مرقوم فرموده بودند حين تحرير دستخط در بيت جنابان آقا محمد هاشم و آقا محمد حسين عليهما بهاء الله اخوين مرفوعين عليهما بهاء الله و رحمته تشریف داشتند و همچنين ذکر جناب آقا محمد و آقا نصرالله و استاد على همسايه ايشانرا فرموده بودند اين تفصيل تلقاء باب مالک الرقاب عرض شد هذا ما نزل لهم من سماء عناية ربنا المشفق الكريم قوله جلّت عظمته

بسمی الناطق فی ملکوت البيان

کتاب انزله الرحمن للذين اقبلوا الى شطر القدس فى يوم فيه انصعق كلّ عالم و اضطرب كلّ فقيه و تزلزل كلّ حكيم الا من شاء الله ربّ العالمين يا هاشم قد ذكرک اسمی ذکرناک ان ربک هو الفضال الكريم هذا يوم فيه يطوف الملائة الاعلى عرش ربک مولى الورى ولكن الذين ينسبون انفسهم الى البيان انهم من الغافلين متمسكين بالخوار معرضين عن الله العزيز الحكيم يا حسين ان استمع نداء الحسين انه يذكرک و يوصيک بالاستقامة الكبرى على هذا الأمر العظيم سوف يأتيکم ناعق بکتاب الفجار الا انه من الملحدين فى کتاب الله العزيز الحميد و يدعوکم الى العجل و يريد ان يطفئ نور الله بما عنده من همزات الشياطين طوبى للذين كانا معنا الى ان صعد ارواحهما الى الله العزيز الجميل بهاء من لدنا عليهما و عليكما و على الذين شربوا رحيق الاستقامة من ايدى عناية ربهم الفياض الكريم

و نذكر محمد الذى ذكره اسمی و نبشّره بعنايتی و رحمتى التى سبقت الأشياء و بذکرى الذى خضعت له الأذکار يا نصرالله ان استمع نداء المظلوم ثم استقم على الأمر على شأن لا يزلک نعاق كلّ ناعق كفر بالله ربّ الأرباب تمسک بالعروة الوثقى و تشبّث بذيل عناية ربک مالک الایجاد

و نذكر العليّ الذى كان حاضراً لدى اسمی بذکر لا يعتريه النّفاذ يا على ان افرح بهذا الذّکر الأعظم ثم اشکر ربک مولى الأنام انا نوصيکم و احبائي هناك بالاستقامة على امر ربکم العزيز الوهاب من يذكر هذا اليوم غيرى انه من الفجار فى الزّبر

و الألواح هذا يوم الله لا يذكر فيه ألا هو يشهد بذلك اولو الألباب و عن ورائهم منزل الآيات انتهى صدهزار بار باید شکر نمود در هر آنی ولکن چه فایده که انسان اینقدرها مستطیع نه ضعیفیم حقیریم کجا میتوانیم از اداء شکر این عنایات متواتره و فضلهای متتابعه برآئیم له الحمد و المنة جميع نفوس مذکوره که از قلم آنحضرت جاری فائز شدند بآنچه که از برای او مثل و شبه نبوده و نیست از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که احبّای خود را بر استقامت مؤید فرماید تا از گفته‌های هامزین و اشارات لامزین از مقصود عالم محروم نمانند

و اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله را فرموده بودند و همچنین نفوسیکه با ایشان از بادغان آمده اینفقره در ساحت امنع اقدس عرض و بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

بسمی المهیمن علی السماء

یا محمود علیک بهائی فائز شدی بامریکه اکثر اهل عالم بعد از طلب و آمال از او محرومند از قبل و بعد بذکری فائز شدی که از برای او مثل و شبه نبوده و نیست کتب الهی کلّها شاهد و گواه بوده و هست از حقّ میطلبیم ترا بنار محبتش مشتعل فرماید اشتعالیکه خاموشی نپذیرد یا محمود ترا بآنچه سبب ارتفاع امر الله است وصیت مینمائیم امروز باید اهل سفینه حمرا بشائی مستقیم باشند که ناعقین و ملحدین و مشرکین از اهل بیان قادر بر تکلم نباشند یا محمود هزار و دویست سنه اهل عمام و منابر ناس را گمراه نمودند و حاصل اعمالشان آن شد که بر محبوب عالم فتوی دادند و شهیدش نمودند و حال مجدد آن نفوس اراده ترویج اوهامات قبل را نموده‌اند در اقلّ من آن تفکر نموده‌اند که حاصل آنحزب که خود را اعلی الأحزاب میشمرند چه بوده فاعتبروا یا اولی الأبصار طوبی لک و لمن وفی بعده و ما نقض میثاق الله ربّ العالمین کبر من قبلی علی محمد قبل صادق و بشره بذکری آیه فی هذا المقام الرّبع لیطمئنّ قلبه بذکر الله العلیّ العظیم و نذکر من سمی بحسن و نوصیه بما وصّیناه به اولیائنا من قبل و انا النّاصح العلیم کن ناطقاً بشائی و متوجّهاً الی افقی و مستقیماً علی امری الذی به ارتعدت فرائض المشرکین و نذکر من سمی بغلام قبل علی بذکر یجد منه المخلصون عرف عنایه ربهم الکریم آیاک ان یمنعک اهل البیان عن الرّحمن الذّین کفروا بالله مالک يوم الدّین یا محمود ذکر احبّائی من قبلی ثمّ اقرأ علیهم آیات ربّک و انا الامر الحکیم البهاء علیک و علیهم و علی کلّ ثابت راسخ مستقیم انتهى له الحمد و المنة نفوس مذکوره را ذکر فرمودند بآیاتیکه معادله نمینماید بآن ما عند الأمم اینعبد هم خدمت جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله و سایرین تکبیر میرساند و از حقّ جلّ جلاله از برای هر یک استقامت میطلبد آنه هو الفیاض الکریم

و اینکه مرقوم فرمودند جناب آقا محمد تقی ابن جناب آقا محمد ابراهیم عرب و آقا محمد علی و داراب بیک علیهم بهاء الله از مرغ تشریف آورده‌اند این تفصیل امام وجه مالک وجود بشرف اصغا فائز قوله جلّ بیانه

بسمی الذّاکر العلیم

یا محمد تقی علی اییک و علیک بهائی آنه نطق بذکری قبل اظهاری و عرف قبل ابرازی آنه ممّن کان مذکور فی کتاب ربّک المهیمن القیوم الیوم کل را باستقامت امر مینمائیم چه که ارباب عمام مجدد احداث شده‌اند و عباد را بموهومات قبل از حقّ منع مینمایند طوبی لأخیک الذی فاز بلقائی و خدمتی و الطّواف فی حولی و اصغاء ندائی و القیام لدی بابی و النّظر الی وجهی علیه بهاء الله و بهاء اولیائه و اصفیائه من الأوّل الذی لا اوّل له الی الآخر الذی لا تحصیه الأفتدة و العقول و نذکر محمد قبل

على الذى ذكره اسمى فى كتابه و نبشّره برحمته التى سبقت من فى السموات و الأرض و بفضلى الذى احاط الوجود من الغيب و الشهود خذ كتاب الله بقوة من عنده انه ينصرک فضلاً من لدنه و هو المقتدر على ما اراد بقوله كن فيكون و هذا ما نزل لجنتاب داراب بيك عليه بهاء الله

هو العلى العظيم

يا داراب ان استمع ما يناديك به ربك الوهاب فى المآب انه ظهر و اظهر ما اراد و هو المقتدر المختار يا داراب نصيک بالاستقامة الكبرى على هذا الأمر الذى به زلت الأقدام قد ارتفع التعيق و ظهر ما فى القلوب ان ربك هو العزيز العلام كن فى الأمر على شأن لا تحجبك حجابات البشر و لا سبحات الذين كفروا و اعرضوا عن المنظر الأكبر ان ربك هو الناصح البصّار البهاء عليك و على الذين ما منعهم ضوضاء العلماء عن الله رب الأرباب انتهى ما من اسم الا و قد فاز بآيات ربه و ما من عبد الا و قد نزل له ما يقربه الى الله مولاه هنيئاً لهم و مريئاً و از حقّ جلّ جلاله در كلّ حين سائل و أمل كه كل را بر استقامت موفق فرمايد چه كه ماكرين و سارقين بر مرصّد منتظر بوده و هستند اعاذنا الله و اياكم يا معشر المقرّبين

اينكه ذكر جناب آقا محمد على مخملباف ابن جناب آقا حسن و ابناء و اهلشان عليهم بهاء الله و همچنين لوجه الله ضمانت لوح مخصوص ايشان فرمودند اين تفصيل در ساحت امنع اقدس اعلى عرض شد و يك لوح بديع منيع از سماء عنايت فيّاض حقيقى مخصوص ايشان نازل و ارسال شد انشاءالله بان فائز شوند و از بحر بيان رحمن بياشامند و همچنين ذكر جناب آقا حسين مخملباف عمّ جناب مذكور و آنطايفه كلّهم كه مرقوم فرموده بودند قريب سى نفس ميشوند جميع در محضر الهى مذكور آمدند و بعنايت الله فائز گشتند بعد از عرض اينكلمات عاليات از سماء فضل نازل قوله جلّ جلاله

يا اسمى عليك بهائى از قبل مظلوم جميع آنطايفه را ذكر نما و بعنايت و رحمت و شفقت حقّ جلّ جلاله بشارت ده يعنى آنانكه از كوثر حيوان آشاميده‌اند و بحيوه تازه فائز شده‌اند از حقّ ميطلبيم آن نفوس را از شرّ معرضين بيان حفظ فرمايد و جميع را بر امرش ثابت و مستقيم دارد نسأله تعالى بأن يقدرّ لهم ما قدرّ لأصفياه من قلمه الأعلى و يرزقهم خير ما نزل فى كتابه و يقربهم اليه فى كلّ الأحوال انه هو المقتدر على ما يشاء و فى قبضته زمام من فى السموات و الأرضين انتهى اينفانى خدمت جميع تكبير ميرساند و عرض مينمايد ناعقين و خادعين و كاذبين بوده و هستند خود را از شرّ نفوس مشرکه باسم حقّ جلّ جلاله محفوظ داريد در الواح قبل كل را اخبار فرموده‌اند بضوضاء ناعقين و ملحدين ان ربنا الرحمن لهو العليم الخبير

اينكه ذكر جناب آقا رمضانعلى الذى صعد الى الله و اخوى ايشان جناب آقا شعبانعلى عليهم بهاء الله فرموده بودند و ذكر وجه يكتومان كه اراده ضيافت محبوب فؤاد جناب حاجى ميرزا حيدر على و نفوس اخرى عليهم بهاء الله را داشته لله الحمد و الثناء قبل از ظهور عمل نيّت مرحوم بطراز قبول فائز هذا ما نزل من ملكوت البيان فى هذا المقام قوله جلّ و عزّ يا اسمى يا ايها الناظر الى وجهى انا ذكرنا الذى صعد الى الله بذكر جعله الله له مائدة المعانى و فاكهة البيان و به قدرّ له ما لا رأت عين و لا سمعت اذن بشّر بذلك اخاه الذى سمى بشعبان قبل على ليشكر ربه الغفور الكريم يا اسمى عنايت حقّ در باره اين دو واضح و مشهود است چه كه تأييد فرمود و بقاء فائز نمود قد اسمعها ندائه و كشف لهما جماله از حقّ بطلب مؤيد شود بر حفظ اينمقام انتهى اينعبد هم انشاءالله مؤيد ميشود بر اجراء ضيافت كه اراده داشته‌اند بعمل آرند يشهد الخادم أنّهما فازا بعناية ربّهما العلى العظيم

و اينكه مرقوم داشتند در بيت جناب آقا شكرالله داماد جناب آقا غلامعلى عليه بهاء الله تشريف داشته‌اند و ذكر جمعى را در آنمحل از ذكور و اناث فرموده بودند اينفقره در ساحت امنع اقدس عرض هذا ما نزل من جبروت علم ربنا العليم الحكيم

قوله تبارك و تعالى يا احبائي استمعوا ندائي من شطر سجنى ثم انصروا المظلوم بالأعمال الطيبة و الأخلاق المرضية و الاستقامة البدیعة المنیعة انه یأمرکم بما ینفعکم و هو الصادق الأمين

یا شکرالله ذکرک اسمی ذکرناک فضلاً من عندی و انا الفضال الکریم تمسک بحبل الاستقامة معرضاً عن الذین کفروا بالله رب العالمین بهاء علیک و علی ضلعک و امها من لدن علیم خبیر یا غلامعلی انا ذکرناک من قبل بآیات لا یعادلها شیء من الأشياء یشهد بذلك ربک العلیم کن قائماً علی خدمة الأمر و ناطقاً بثناء مولاک و ناظراً الی افقه المنیر قد فزت ببيان الرحمن هذه مرة بعد مرة یشهد بذلك قلمی الأعلى و هو نفسی المهیمنة علی من فی السموات و الأرضین و نذكر ابنک مهدی و نبشره بعنایتی و فضلی و نوصیه بما ینبغی لأمری العزیز البدیع

یا مهدی علیک و علی ایک بهائی و رحمتی و فضلی الذی لا تعادله ثروة الملوک و السلاطین
یا شیخ قبل حسن انت من الذین فازوا بذکری من قبل و من بعد و بآیاتى التى یجد منها المقربون عرف قمیصی البدیع
سمعنا ذکرک من کتاب اسمی ذکرناک فی هذا المقام البعید کبر من قبلی علی وجوه احبائی انا نوصیهم بالاستقامة الکبری علی هذا الأمر العظیم و نذكر محمد قبل طاهر لیفرج بعنایة ربّه و یكون من الشاکرین طوبی لک و لأولیائی الذین شربوا کوثر الاستقامة من ایدى عطاء ربهم البازل الکریم طوبی لأیک الذی فاز بالبحر الحیوان اذ فاض من لدن فیاض مشفق معطى عزیز حکیم البهاء علیک و علی من معک من کلّ ذکر و انثی الذین اعترفوا بما اعترف به الله مالک هذا الیوم البدیع انتهی
اینبعد فانی خدمت جناب آقا غلامعلی علیه بهاء الله و نفوس مذکوره تکبیر و سلام میرساند و جمیع را باستقامت وصیت مینماید چه که مشرکین اهل بیان باوهمات اهل فرقان در اضلال اولیاء رحمن بتمام نفاق کوشیده و میکوشند امروز استقامت از اعظم اعمال لدی الغنی المتعال مذکور طوبی لمن فاز بها و شرب ریحقتها و ویل لمن انکرها و ترکها
اینکه ذکر جناب آقا محمد علی اخ جناب آقا محمد رضای مهاجر علیهما بهاء الله را فرمودند و مناجات ایشانرا بساحت اقدس ارسال داشتند اینفانی این تفصیل را عرض نمود و مناجات ایشان حسب الأمر تلقاء وجهه بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

هو السامع من الأفق الأعلى

یا محمد علی ذکرک اسمی و ارسل مناجاتک و ما نادیت به الله رب العالمین و قرأه العبد الحاضر لدی الوجه سمعنا و اجبنا بهذا اللوح المبین قل

سبحانک یا ربی الرحمن اسألك بأمواج بحر بیانک و شئونات ربوبیتک و ظهورات الوهیتک و الأسرار التى كانت مكنونة فی علمک بأن تؤیّدنی علی خدمتک و خدمة اولیائک و توفّقنی علی اداء حقوقک التى انزلته فی کتابک
ای ربّ انا الذی اقبلت الی افقک الأعلى و تشبّثت بذیل عطائک یا مولی الوری و مالک ملکوت الأسماء اسألك ان لا تخیّبنی عمّا عندک و لا تمنعنی عمّا کتبه لأصفیائک

اسألك یا الهه الأسماء و فاطر السماء ایدنی علی الاستقامة علی امرک علی شأن لا تحجبنی زخارف الدنیا و لا تمنعنی ضوضاء الأشقیاء الذین قاموا علی اضلال خلقک فی ایامک ثم قدر لی یا مقصودی خیر الآخرة و الأولى انک انت المقتردر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم انتهی

له الحمد و المنة قد انزل لمن ذکره حضرتکم ما لا یعادله شیء من الأشياء یشهد بذلك ربنا فاطر السماء و در اثناء تنزیل لسان عظمت باینکلمه علیا ناطق قوله تعالى یا اسمی نفوس مقبله بکمال محبّت و اشتعال ظاهر و حقّ بنفسه شاهد و گواه انه یسمع و یری و هو السميع البصیر و از حقّ بخواهد موفّق شوند بر اعمالیکه در کتاب الهی از قلم اعلى مذکور و

مسطور یا اسمی انشاءالله کل مؤید شوند بر اداء حقوق اگرچه این حقوق مخصوصست بحق ولکن آنجناب میدانند چه مقدار از نفوس الیوم در اطراف بخدمت امر مشغولند و بر حسب ظاهر اموراتشان معوق چون امور من عند الله باسباب معلّق شده لذا حکم اداء حقوق از سماء مشیت نازل و خیر اینعمل بعاملین راجع انتهى اینفانیهم از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که دوستان خود را موفق فرماید بر اعمالیکه لدی الله باقی و محفوظست

اینکه ذکر جناب میرزا عباس علیه بهاء الله که از منتسبین اینفانی محسوبند فرموده بودند و همچنین مراتب محبت و مودّت ایشانرا باینفانی اگرچه الیوم نسبتها مقطوع و سبل ممنوع و طرق مسدود است ولکن چون رحمت مقصود عالمیان سبقت گرفته لذا این نملّه ضعیف از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینماید و بکمال عجز و ابتهال معروض میدارد که جناب ایشان یعنی آقا میرزا عباس را تأیید فرماید بر آنچه سزاوار است و ایشانرا از نفوس ثابتّه راسخه مستقیمه در کتاب از قلم اعلی ذکر فرماید باری ذکرشان در ساحت اقدس بشرف اصغا فائز قوله تبارک و تعالی

هو الشاهد الخیر

یا عباس در قرون اولی تفکر کن در اعصار قبل آنچه واقع شده نظر نما تا سیل مستقیم را بیابی و صراط حق را بشناسی در ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزئون تفرّس نما لعمری اگر متوقّفین و معرضین و منکرین در این یک آیه مذکوره تفکر نمایند کل بحق راجع میشوند و اعراض و اعتراض علمای ارض را دلیل بر حقّیت من ینادی الیوم میشمزند از حقّ میطلبیم ترا تأیید فرماید و از انوار وجه محروم ننماید تا فائز شوی بآنچه که جمیع کتب و رسل بر آن گواهی داده‌اند و از حقّ لقایش را طلبیده‌اند یا عباس اسمع ندائی قل الله ثمّ ذرهم فی خوضهم یلعبون ان اقبل بوجه منیر الی افق الله العلیم الخیر انتهى صدهزار شکر معبود حقیقی را و فیاض حقیقی را که در هر حین عطا میفرماید آنچه که السن عالم از ذکرش عاجز و قاصر است امید چنانکه ایشان بآیات الهی فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند و از عرف کلمات منزل آیات قسمت برند ان ربنا الرحمن هو السامع المجیب اینفانی خدمت ایشان سلام و تکبیر میرساند و در هر آن از برای ایشان و جمیع منتسبین تأیید میطلبد انه علی کلّشیء قدیر و بالاجابة جدیر

ذکر جناب آقا سید اسمعیل علیه بهاء الله را فرموده بودند شمس اذن مجدّد از افق فضل مشرق هنیئاً له اینکه ذکر جناب آقا علی اکبر ارسى دوز و جناب آقا محمد ابراهیم دستمال باف علیهما بهاء الله را فرموده بودند که از اخبارند و هم متدین و مراقب خدمات احباب اینفقرات بتمامها در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من لدن ربنا العزیز الوهاب قوله جلّ و عزّ

هو الناطق بالحقّ

یا اسمی مهدی علیک بهائی و عنایتی اینمظلوم در ایامی بر امر قیام نمود که ظلمت عالم را فراگرفته بود نفسی از نفسی برنمیآمد ملحدین و منافقین در خلف حجابات مستور و دیار بدیار بحفظ جان مشغول بعد از بلایای لاتحصى و تنزیل آیات فی الصّباح و المساء چون فی الجملة عالم بانوار شمس ظهور منور و فی الجملة اطمینان حاصل از خلف حجاب بیرون آمدند و ملابازی جدید برپا نمودند آنجناب میدانند که قلم اعلی در لیالی و ایام بچه رحمت مشغول و بچه عنایت ظاهر معذلک چند نفس از اهل کاف و راء که لایق ذکر نبوده و نیستند علم فساد برافراخته‌اند و بکمال مکر و خدعه ظاهر گشته‌اند بعضی بمنبر و برخی بنامه و پیام در اضلال عباد میکوشند قاتلهم الله همان دستگاه اهل فرقان بمیان آمده یعنی موهومات حزب شیعه

میگویند آنچه را که نزد حقّ جلّ جلاله نبوده و نیست ظهوری را که از اوّل امر تا حین مابین اعدا بکمال اقتدار ظاهر یک آن خود را ستر ننموده و معادل آنچه از جمیع انبیا و مرسلین ظاهر از او ظاهر و نازل گشته و جمیع اخبار بعد از قبل از قلم اعلی بکمال تصریح در الواح نازل معذلک گفته‌اند آنچه که گفته نشده و از هیچ مشرکی ظاهر نگشته عجب در اینکه نفوس مقبله هم بعضی توقّف و بعضی اعراض نموده‌اند سبحان الله بطنین ذباب مشغول گشته‌اند و از ربّ الأرباب غافل افتّ لهم و للذین کفروا بالله و آیاته و جادلوا بیرهانه در اینصورت قلم اعلی اقبال بذکر در این ایّام نداشته و ندارد در عراق در رؤیا دیده شد آنچه که هر ذی بصر و فؤادی گریسته و ناله نموده اگر در نظر آنجناب باشد آگاه میشوند بر آنچه واقع شده و میشود باری از حقّ میطلبیم نفوسی را که ذکر نمودی آگاه فرماید و بطراز استقامت مزین دارد

یا اسمی نذکر فی هذا المقام من ذکرته و سمی بعلی اکبر لیتمسک بحبل عنایة ربّه مالک القدر و یشهد بما شهد الله أنّه لا اله الاّ هو العلیم الحکیم یا علی قبل اکبر اذا وجدت نفحات بیان ربّک قم و قل

یا الهی و سیّدی و مقصودی اسألك بافق ظهورک و بحر علمک و شمس امرک بأن تؤیّدنی علی الاستقامة علی حبّک ای ربّ تری مظاهر الأوهام یدعون عبادک الی الأصنام اسألك بأن تحفظنی و عبادک عن شرّ هؤلاء ثمّ اطردهم بقدرتک یا مالک الأسماء و المهیمن علی الأرض و السماء ای ربّ انا المسکین اردت فضلک و رحمتک و کرمک لا تخیّنی یا الهی عمّا انزلته فی کتابک من بدائع نعمک و آلائک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت القویّ الغالب القدير

و نذکر من سمی بمحمّد ابراهیم و نبیره برحمتی الّتی سقت من فی السموات و الأرضین یا ابراهیم آفلین دعوی هستی نموده‌اند و گمراهان دعوی ایمان از حقّ بطلب ترا حفظ فرماید امر بسیار عظیمست در پیشوایان خلق تفکّر نما که کل فتوی دادند و محبوب عالم را شهید نمودند حال در بیان همان نفوس ظاهر شده‌اند ابواب ظنون و اوهام را گشوده‌اند انا نسأل الله بأن یحفظک و الذین آمنوا من شرّ هؤلاء و یرزقکم خیر الآخرة و الأولى و یسقیکم کوثر الاستقامة من ایدای الفضل و العطاء أنّه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الاّ هو الناصح الأمر العلیم الحکیم انتهى

و اینکه ذکر جناب آقا سیّد حسین صباغ و استاد نصرالله نجار علیهما بهاء الله فرمودند بعد از عرض در ساحت کبریا این آیات کبری از مصدر اسماء نازل قوله جلّ جلاله

انا المظلوم الغریب

یا سیّد قبل حسین مطلع وحی و مشرق ظهور و مصدر امر و مظهر نفس الهی ظاهر معذلک ناس جاهل غافل لآلی بحر علم الهی عالم را پر نموده معادل کتب قبل و بعد از سماء مشیت نازل بل ازید معذلک مشرکین در ردّش ساعی و جاهد باید بحقّ پناه برد چه که دوباره اهل عمام بفکر منبر و محراب افتاده‌اند و در اضلال خلق کوتاهی ننموده و نمی‌نمایند از حقّ حفظ طلب نمایند و استقامت بخواهید تا از شرّ نفوس ملحده مشرکه محفوظ مانید انا نصیحتکم بالعمل الخالص و بما انزلناه فی الزّبر و الألواح حمد کن محبوب عالم را که ترا مؤیّد فرمود و آگاه نمود انّ ربّک هو الفضل الکرم قل الحمد لله ربّ العالمین و هذا ما نزل لجناب استاد نصرالله علیه بهاء الله

هو القریب المجیب

سبحان الّذی ظهر و اظهر ما کان مکنوناً فی العلم و مسطوراً فی کتب الله ربّ العالمین أنّه اتی برایات الآیات و قام علی الأمر علی شأن لم تمنعه شبهات العلماء و لا سطوة الغافلین یا نصرالله حقّ ترا نصرت نمود چه که بعرفان مشرق وحی و مطلع الهام

مؤید شدی در ایامیکه کل غافل و محجوب مشاهده شدند الا من شاء الله رب العالمین قدر اینمقام را بدان و از معرضین اهل بیان حفظش نما لعمر الله انهم فی جهل مبین از حق استقامت طلب نما بشأنیکه مشرکین قادر بر تکلم نباشند کذلک یا مَرک من عنده کتاب مبین انتهی

و همچنین ذکر جناب آقا رجبعلی مخمل باف و آقا حسین ظهیر و آقا میرزا محمد آئینه ساز علیهم بهاء الله را فرموده بودند اینفقره در ساحت احدیه عرض شد هذا ما نزل لهم من ملکوت بیان ربنا الرحمن

هو المهیمن علی ما یشاء و یحکم کیف یشاء

یا احبائی علیکم بهائی انّ المظلوم یدکرکم فی سجنه و یشکرکم بعنایة الله مولی الانام یا رجب قبل علی ذکرک اسمی ذکرناک و انه سراج الله یمشی امام وجهک فی عوالم ربک العزیز المتان هذا مقام جعله الله معلّقاً بالاستقامة الكبرى طوبی لمن فاز بها و ویل لكل غافل مرتاب تمسک بحبل الأمر و تشبث بذیل عنایة ربک مالک الرقاب یا حسین یدکرک المظلوم اذ احاطته الأحزان من اللّٰذین کفروا بالله مالک الأدیان انّ القوم آمنوا بالغدیر و کفروا بالبحر الأعظم کذلک سوّلت لهم انفسهم الا انهم من اصحاب النار یدعون الایمان برسل الله من قبل و بالذی اتی بالحق و انکروا مرسلهم و مظهرهم و مؤیدهم انّ ربک هو العزیز العلام ان احفظ نفسك من اللّٰذین آمنوا بأهوائهم و کفروا بالله ربّ الأرباب

یا محمد استمع ما خلقت الأذان لاصغائه ثم اشکر ربک مالک یوم المآب انا انزلنا الآیات و عن ورائها اظهرنا البیئات و عن ورائها کنا ظاهراً باهراً امام وجوه الأعداء فی ایام فيها ارتعدت فرائص اهل البیان اللّٰذین خرجوا الیوم من خلف الحجاب قل اتقوا الله یا قوم کسروا صنم الوهم ثم اقبلوا بوجه نورآء الی الأفق الأعلى المقام الّذی ینادی فیہ سدرۃ المنتهی الملک لله المقنن العزیز المختار انتهی

و همچنین ذکر جناب آقا محمد تقی صباغ و آقا محمد علی شبیه خوان من قمصر علیهما بهاء الرحمن فرموده بودند بعد از عرض تلقاء وجه این آیات از ملکوت علم الهی نازل قوله جلّ جلاله

یا محمد قبل تقی گوش را از اصغاء نداء معرضین مقدس دار و لسان را از ذکر منکرین منزّه ابصار از برای منظر اکبر خلق شده و آذان از برای اصغاء نداء مالک قدر یا صباغ انشاء الله بصیغة الله فائز شوی و لونی جز آن نخواهی براستی میگویم دزدان در کمینگاهان که شاید ضعیفی را بیابند و بریابند باسم حقّ خود را حفظ نما اینست وصیت مظلوم ترا و دوستان را سمعنا ذکرک ذکرناک ان احمد ربک بهذا الفضل المبین

یا محمد قبل علی جمیع انبیا و رسل ناس را باین ظهور بشارت داده اند و باین یوم اخبار نموده اند قد زین الله کتبه و زبره بهذا الاسم الّذی اذ ظهر سقطت الأصنام و محت آثار اللّٰذین کفروا بالله ربّ العالمین حال جمعی خراطین پرهیای ایمان مقبلین را بطین اوهام میآلایند و از پرواز منع مینمایند ان احفظ جناحک من طین هؤلاء ثم اشکر ربک الکریم انه یدک و عرفک و اسمعک و هداک الی صراطه المستقیم

یا اسمی علیک بهائی و عنایتی جمیع احبای حقّ را تکبیر برسان و ایشانرا بشارت ده بعنایت حقّ جلّ جلاله و وصیت نما بآنچه که سبب خلاص و نجاح است جمیع اصحاب آن ارض مظلوم بوده و هستند در سیل حقّ حمل بلایا نموده اند اعمال کل نزد حقّ مذکور و از قلم اعلی در صحیفه حمرا مسطور اجر نفسی بقدر خردل ضایع نشده و نمیشود از حقّ مطلبیم کل را بر استقامت مؤید فرماید انه علی کلّ شیء قدير البهاء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و علیهم و علی اللّٰذین ما منعهم الضوضاء عن الأفق الأعلى قاموا و قالوا الله ربنا و ربّ العرش العظیم الحمد لله العلیم الحکیم انتهی اینفانیهم خدمت آنحضرت و دوستان الهی که از ریح مختوم آشامیده اند و بحضرت قیوم متمسکند تکبیر و سلام معروض میدارد و فنا و نیستی

خود را اظهار مینماید و از آنحضرت میطلبد که او را فراموش نفرماید و از حقّ تأیید بخواهند که شاید از خدمت بازنمانم و برضای حقّ فائز گردم الذّکر و الثّناء و البهّاء و النّور علی حضرتکم و علی من معکم و علی من یحبّکم و یسمع قولکم

در اینمقام ذکر حبیب روحانی جناب شیخ ابوالقاسم و جناب آقا میرزا آقا علیهما بهاء الله بخاطر آمد علم الله ذکر این دو حبیب که در دستخطّ مبارک بود بعد از عرض لیلاً و نهراً از لسان مقصود ذکرشان جاری هنیئاً لهما و مریئاً لهما اینفانیهم معلوم در آنی غفلت ننموده گویا امام وجه خادم موجودند از حقّ جلّ جلاله سائل و آملم بأن یؤیّدهما علی ما تقرّ به عینهما و یفرح به قلبهما و یرفع مقامهما و یظهر ما قدر لهما انشاءالله موفق باشند بر آنچه سزاوار است و باتّفاق و اتّحاد حقیقی فائز شوند ان ربّنا الرحمن هو السّامع المجیب و هو القریب الرّقیب

این سند از کتابخانه مراجعیهائی داناود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر